

آمیولانس

۳ سوال ریاضی از رییس



پوریا عالمی

• الو.. آقای رییس؟ سلام.. چطور ی شما؟ خیلی ممنون.. کجام؟ پشت آمیولانس.. نغسه.. دوباره کمر ظریف درد نگرفته.. نه.. علی خنتی هم اوکی‌یه.. قرار شده کلا کاری نکند که کاری به کاری نداشته باشند.. بله.. من هم خوب.. یارانه؟! بابا.. واقعا روی انصراف من هم حساب کردی؟ گیر همین ۴۴هزاروپونصدمتونی؟ روی چشم..

الو.. اقا راستی یک سوال.. الان شما مسئول هستی دیگه؟ اوکی.. ببین من سال ۸۶ عهد کردم اگر کتابم چاپ شه، یک گوسفند قربانی کنم.. خب؟ آن موقع گوشت گوسفند بود کیلویی شش هزار تومان.. پس قیمت گوسفند ۶۰کیلویی می‌شد دوروبر صدوچهل-پنجاههزارتومان.. از طرفی حق‌التالیف کتاب با هزارتا تیراز هم می‌شد نزدیک ۲۰۰هزارتومان.. یعنی سود کتاب با بهای گوسفند می‌رفت.. اما الان استرس گرفتم.. چون ناشر یک کتابم را فرستاده ارشاد.. اگر (را کاشتنند درنیامد) شما مجوز بدهی.. تیراز کتاب شده پونصدتا.. یعنی حق‌التالیف کتاب همان ۲۵۰هزارتومان می‌شود.. ولی گوسفند چند شده؟ گوشتش شده کیلویی ۲۵هزار تومان.. یعنی گوسفند ۶۰کیلویی را کیلویی ۱۲،۱۳هزارتومان هم حساب کنی.. می‌شود ۷۵۰هزارتومان.. تکلیف عهد ما چیست؟ یعنی اگر الان کسی آرزویی کرده باشد و برآورده شه، متضرر مالی شده؟

الو.. نه برو ماشین حساب را بیاور.. گوشی دستم است.. جان؟ بله.. یک سوال دیگر.. اقا این فامیل ما، سال ۸۲ و در دولت خامی، بهمناسبت ختنه‌سوران برادر ما، یک سکه داد.. سکه چند بود؟ ۸۰هزارتومان.. الان خودش بجهدار شده و پنجشنبه ختنه‌سوران گرفتند.. ما هم باید یک سکه بدهیم؟ می‌دانی سکه چند شده؟ یکمیلیون تومان.. باز خدا را شکر.. بجایش توی این دوره ختنه می‌شود.. اگر دولت مهرورزی بودیم که هنوز سکه دومیلیون تومان بود.. تکلیف چیست؟

جان؟ الو؟ نه بزن تو ماشین حساب.. نمی‌صرفد دیگر.. اصلا این نداشتن ثبات اقتصادی، رابطه‌های خانوادگی را هم متزلزل کرده..

بله.. اقا یک چیز دیگر.. بابای ما زمان دولت خامی به یکی پنج‌میلیون قرض داد.. طرف رفت، چندتا وام اینا گرفت و خانه خرید.. این زن زده می‌گوید شماره کارت بده.. «آن پنج‌میلیون» را کارت‌به‌کارت کنم.. بعد خانهاش شده ۲۰۰میلیون.. تکلیف چیست؟ بابای بابای ما را در آورد آن بابا.. آیا نباید با آمبولانس زد بهشت تا حساب کار بیاید دستش.. بعد سریع سوار آمبولانس کرد تا از دست نرود؟ الو.. رییس‌جان جز اوهوم‌واهوم گفتن پشت گوشی، جوابمواب که نداری؟ نه؟ خیلی خب.. پس من قطع کنم پول تلفتم زیاد شد.. خداحافظ..

آکادمی

درمان در پشت‌بام

• **شرق:** یک خاتم ۷۹ساله بدون بیمه درمانی و بی‌خانم دچار سکنه مغزی و فلج نیمی از بدن می‌شود. انتقال او به بیمارستان بیش از سه‌ساعت طول می‌کشد، بنابراین مرکز درمان سکنه مغزی که در ارتباط با اورژانس است، تصمیم می‌گیرند او را با هلیکوپتر به مرکز درمان سکنه مغزی دانشگاه آلاباما منتقل کنند.

درمان‌های اولیه در هلیکوپتر انجام می‌شود و محاسبه می‌کنند که اگر برای درمان به بخش منتقل شهود زمان از شروع سکنه مغزی از ۴۵/ ساعت هم می‌گذرد بنابراین تیم درمان سکنه مغزی شامل پروفیسور «الکساندرف» (روسی‌الصل) و پروفیسور «باورصا» (ایرانی) و سایرین به پشت‌بام مرکز سکنه مغزی، واقع در طبقه نهم می‌روند تا همانجا پس از فرود هلیکوپتر درمان را شروع کنند. در عکس پشت‌بام مرکز با هلیکوپترهای متعدد که در حال انتقال بیماران هستند و پروفیسور «الکساندرف» با دستکش سفید بعد از درمان دیده می‌شود. شدت فلج بیمار پس از این تزریق بر اساس nih35 در ۱۵ به چهاراقت می‌کند، یعنی ۱۰ درجه از شدت سکنه کاسته می‌شود.



تصحیح و پوزش

• دیروز در همین صفحه مطلبی چاپ شد با عنوان «یگانگی جهان در کنار تضاد و تغییر» درباره زندیاد محمود عبادیان به قلم احمد محیط، مترجم و متخصص اعصاب و روان که تاکنون مقالات و کتابهای مختلفی از ایشان منتشر شده است. از جمله ترجمه‌های ایشان می‌توان به «خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دوجابگاهی» و نیز کتاب اخیر «شکل‌گیری حافظه از مولکول تا ذهن» اشاره کرد. به دلیل تشابه اسمی این مطلب به نام «احمد محیط طبیبایی» چاپ شده بود که به این وسیله از هر دو این بزرگواران پوزش می‌خواهیم.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۹۲ | ۱۴امدادی‌التالی ۱۴۳۵ | ۱۴ آوریل ۲۰۱۴ | سال یازدهم | شماره ۱۹۹۰ | ۱۶صفحه | اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ | اذان مغرب ۱۹:۵۵ | اذان صبح فردا ۵:۰۴ | طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی جهانشاهی
alij.shahi@gmail.com



کافه نظر

دغدغه‌انصرافی‌ها



دنیا عیوضی: آنچه این‌روزها در خبرها برجسته شده، انصراف شماری از هنرمندان و ورزشکاران و اقشار فرهیخته جامعه از دریافت یارانه است.

همان چیزی که عنوان شده حق کم‌درآمدها محسوب می‌شود و کناره‌گیری جمعیتی از دهک‌های بالای مالی جامعه می‌تواند دولت

را در راه کمک به فشر ضعیف جامعه یاری کند. برای واکاوی این نکته به سراغ شماری از هنرمندان رفتیم و

نظرشان را در این باره جویا شدیم که در ادامه شرح گفته‌هایشان را می‌خوانید:

ابوالحسن داوودی◀ کارگردان

من و خانواده‌ام از مرحله اول واریز یارانه‌ها در دولت قبلی ثبت‌نام نکردیم. از شروع هفدمندی یارانه‌ها گمان من این بود که این شکل مواجهه با آن برخوردی تحقیر آمیز با مردم محسوب می‌شود. برخوردی که چندان مناسب نیست و می‌تواند به شکل دیگر باشد. به این دلیل که بدون هیچ تقسیم‌بندی طبقاتی، از زبانی درست از سطح در آمد افراد جامعه و دستمندی‌های مالی در جامعه وجود دارد و در دستور کار قرار گرفت. از طرفی قرار بود با هفدمندی به زیرساخت‌ها و مدیریتهای اقتصادی بیشتر توجه نشان دهند که تاکنون موقعیتی حاصل نشده است. ما می‌بینیم که شمار زیادی از جامعه هنری به‌ویژه اهالی سینما نیازمند دریافت یارانه هستند، اما تحقیر ملی به این شیوه اجرایی وجهی فراتر است. قبل از جلب اعتماد مردم در زمینه‌های یابندنی به تعهدات، ریشه کن کردن رانته‌های اقتصادی و مصادیقی از این قبیل نمی‌توان از مردم انتظار داشت که امیدی به بهبود شرایط اقتصادی در سال‌های پیش‌رو داشته باشند. از این‌رو من توصیه‌ام به اقشار پر درآمد جامعه این است که در صورت تمایل و با تمام سختی‌های اقتصادی احتمالی آینده، از دریافت یارانه انصراف دهند. در مقابل، کم‌درآمدها، یارانه را حق خود بدانند و بدون خجالت بروند و ثبت‌نام کنند.

رسول صدرعاملی◀ کارگردان

در جریان اقتصاد سالم، متداول و پویا از هیچ دولتی توقع دریافت یارانه نمی‌رود. همانطور که در اقتصاد دیگر کشورها به چشم می‌بینیم هیچ دولتی به حساب ملتش این چنین پول واریز نمی‌کند! اگرچه کمک‌های مالی به اقشار کم‌درآمد و کم‌کمزرنه‌های معاش، آموزش و درمان در برنامه‌های کلان اقتصادی ملل همیشه قابل توجه است. حالا اما پرداخت‌های اقتصادی با این شکل و شمایل در کشور ما نشان از بیماری اقتصاد کلان اقتصادی از دست رفت زیرساخت‌های آن اندیشید. امیدواریم درمان تا حدی پیش رود که بتوان به فکر توسعه، رفاه ملی و تمهیدات روحی- روانی- تفریحی اجتماع بود. در این موقعیت اگر کسانی به اندازهای توانایی مالی دارند که عدم دریافت یارانه آنها را با مشکل مواجه نمی‌کند به تبع آن بهتر است که انصراف دهند. من نیز در دولت پیش یارانه دریافت می‌کردم، آن زمان گویا به حساب همه واریز می‌شد یا شاید بحث انصراف چندان مطرح نبود اما در این شرایط بی‌تردید از ثبت‌نامش صرف‌نظر خواهم کرد.

گوهر خیراندیش◀ بازیگر

من هم مانند شماری دیگر از هنرمندانی که از ابتدا یارانه نمی‌گرفتند، از مرحله اول برای دریافتش ثبت‌نام نکرد-ه بودم و همین‌طور برای این مرحله هم اقدامی نخواهم داشت. اما نکته‌ای که فکرم را درگیر کرده این است که آیا این مبلغی که بر اثر انصراف تعداد کثیری از مردم به نفع اقشار کم‌درآمد به دست می‌آید به‌درستی برای کم‌درآمدها در نظر گرفته می‌شود یا صرف هزینه‌های دیگر کشور خواهد شد؟ آنچه اهمیت دارد شکل گیری این اعتمادسازی برای جامعه از سوی دولت است. آنچه طی این سال‌ها با رانت‌خواری و اختلاس‌های کلان اقتصادی از دست رفت و به‌سادگی هم بازنخواهد گشت، ما به‌درستی واقف هستیم که می‌توانیم کمکی باشیم برای ساختن‌های دوباره ویرانی‌هایمان اما آیا این کمک‌ها و تبلیغاتی که از سوی هنرمندان در جریان است سلب اعتماد دوباره را همراه نخواهد داشت. باور داریم هر ایرانی سهمی در آبادانی کشورش و کمک مالی به مستندان باید داشته باشد. تاسف دارد که چرا از ما هنرمندان در چنین مواردی می‌خواهند که رهگشا باشیم، مگر پژوهشگران، کارشناسان و نخبگان اقتصادی که در این مسایل آگاهی دارند و علم اقتصاد را واکاوی می‌کنند نمی‌توانند به حل مشکلات بیاینند و اثر گذار باشند؟ ما فقط می‌توانیم پیشنهاد دهیم اما تخصصی در این زمینه نداریم. این روزها در جمع برخی ثروتمندان می‌شنویم که با وجود داشتن توان مالی، می‌گویند این پول حق ماست. اینها همه نشان از همان کم‌اعتمادی است که به جان همه افتاده که اگر ما نتگیریم واقعا به فقر می‌دهند؟ به گمان من باید برای این تردیها فکر چاره بود. امیدواریم این بار دولتمردانمان کاری کنند که مردم برای همیشه به آنان اعتماد کنند و نه فقط در پاره‌ای موارد، زیرا هر بار به‌گونه‌ای اعتماد مردم از عملکرد دولت سلب شده است.

گزارش فردا



انتظامی، کیانیان، اسکندری، افشار و خطیبی از «لذت گذشت» می‌گویند

بخشش، دشوار اما شیرین

و زندگی دوباره‌ای را تجربه کند. فردی که یکبار تا پای جویه اعدام رفته، مثل بیماری است که از بیماری مهلکی نجات پیدا کرده و طبعاً زندگی او پس از آن بخشش و حیات دوباره، شبیه زندگی قبلی‌اش نخواهد بود.

«مهنار افشار» بازیگر سینمای ایران نیز در ستایش «بخشش» خطاب به آنان که «انتقام» را بر گردنم‌اند، می‌نویسد: «بخشش و گذشتت را فقط در قلمبان زیبا نگه داشتیم، چه خوب می‌شود که این دو واژه بزرگ و هدیه خاوند را به باور برساییم، حتی اگر سخت، حتی اگر غمگین…»

«اشکان خطیبی» از منظری دیگر وارد گفت‌وگو می‌شود و مستقیماً از اولیای دمی که خواستار اعدام «ریحانه» هستند، «بخشش» می‌طلبد و در نامه‌ای که امضای «فرزند کوچک شهاد اشکان خطیبی» را دارد، خطاب به خانواده «سربندی» می‌نویسد: «من تا حالا دوبار تا پای اعدام پیش رفتم، تو فیلم رو عرض می‌کنم. یه بارش تیربارونم کردن (از نفس افتاده)، بار دوم هم شاکم، هر چند با شروط عجیبوغریب، رضایت داد و من زنده موندم (در مسیر زاینده‌رود). هر دو بارش اما در طول بازی نقش سعی کردم خودم رو در شرایط شخصیت محکوم به اعدام قرار بدم و ناگفته بپداست که چه دورانی رو پشت سر گذاشتم- در روزهای آخر اسفند به پیشنهاد محمد رحمانیان و مهتاب نصیرپور و یاری سامان احتشامی و فردین خلعتبری، سعی کردم با برگزاری یک نمایشنامه‌خوانی، هنرمندان و مردم رو متوجه حکم ریحانه جباری کنیم. در پایان مراسم، شعله پاکروان (مادر ریحانه که دست بر قضا از همکاران حوزه تئاتر هم هست) از مدعوین درخواست کرد از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. دیشب خوندم که «ریحانه جباری» از مادرش خواسته، دست از تلاش برداره چرا که به آرامش دست پیدا کرده و این نرسوشت رو پذیرفته.. این رو دیگه تو فیلم‌ها نمی‌شه دید. چون تو فیلما همیشه محکوم و خانوادهاش و وکیلش تا آخر فیلم تلاش می‌کنن تا او رو نجات بدن و این یعنی: «این یک فیلم نیست» که در انتها هم بعضی‌مون ترنر، چند دقیقه‌ای راجع بهش حرف بزنیم و برگردیم سراغ زندگی‌مون.. این خود زندگیگه که ریحانه جباری زودتر از موعد ازش دست کشیده، حتی زودتر از قرار اعدامش.. خانواده محترم مرحوم سربندی حکم اعدام ریحانه جباری تا همین دیشب، یکبار اجرا شده. اعدام دوباره او را بر مردمی که چشم به بخشش شما دوخته‌اند، بیخشناید، فرصت زیاد نیست، کاش «انتقام» انتخاب اولیای‌دم نباشد.

پرستویی» و «کیومرث پوراحمد» بسیار تلاش کرد. این پیشکسوت هنرهای نمایشی، هم‌اکنون با چنین جملاتی همه شاکیان پرونده‌های جنایی را به بخشش دعوت می‌کند: «باید رحم کنیم، تا خدا به ما رحم کند» و بعد درباره ماجرای «ریحانه» می‌گوید: «امیدوارم همان‌طور که همه هنرمندان پیگیر ماجرا بوده‌اند، «ریحانه جباری» بخشیده شود، من هم از خدا می‌خواهم رحم به دل اولیای دم بیندازد تا این جوان را ببخشند. اگر نبخشدن گمان نمی‌کنم باقیمنده عمرشان را راحت بخوانند» او درباره چرایی این بخشش توضیح می‌دهد: «بخشش دلیل نمی‌خواهد. فرض می‌کنیم آن خاتم یا آقای منتهم، واقعا قاتلد و مقصدند، اما بخشش بزرگواری خاصی می‌خواهد و بی‌شک به واسطه آن، کسی که می‌بخشد نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.» وقتی از «رضا کیانیان» می‌پرسم که اگر بخواد اولیای‌دم مقتولی را دعوت به بخشش کند، چه جمله‌ای خواهد گفت، پاسخش چنین است: «در همان لحظه باید ببینم که چه کسی است و چه ویژگی‌هایی دارد و بعد تصمیم می‌گیرم که برای تشویق او به بخشش چه‌بگویم»

«ستاره اسکندری» این شب‌ها ساعت ۲۰ با نمایش «هم هوایی» نوشته مهین صدری و به کارگردانی افسانه ماهیان روی صحنه تالار حافظ است- نمایشی که با همین مضمون و حال و هواسـت، او پیش از آنکه از «الذت بخشش» بگوید، همگان را دعوت می‌کند تا به تماشای ماجرای زنایی بنشینند، که در نهایت نمی‌دانیم واقعا قاتل هستند یا نه. او سپس درباره چرایی بخشش می‌گوید: «شرایط سادای نیست که ما بتوانیم خودمان را جای خانواده مقتول فرض کنیم اما بعضی از پرونده‌ها هستند که قاتل بودن یا نبودن متهم در آن مسجل نمی‌شود. با اینکه از دست‌دادن یک عزیز، آن هم در اثر قتل بسیار دردناک و تلخ است اما باید به خانواده مقتول گفتیم که قتل دیگر، چیزی را بر نمی‌گرداند و شاید تنها حس انتقام را ارضا می‌کند و گرنه آن عزیزی که از دست رفته که باز نمی‌گردد. شاید با بخشیدن، بتوان به فردی فرصت زندگی و درک تازه مفاهیم و معانی را داد. بخشیدن یک جنس بزرگواری می‌طلبد.» اسکندری در پایان توصیه‌ای که به اولیای‌دم «ریحانه» یا سایر متهمان پرونده‌های جنایی دارد، این است: «فرصت برای جبران و تجربه نگاهی دیگر را از یک انسان بگیریم. حتی اگر فردی واقعا مرتکب قتل شده باشد و سزایش اعدام باشد، ما با بخشش‌مان، به او فرصت می‌دهیم تا فکر کند

پرسه

بداهه‌نوازی کنار خیابان

که به حال‌وهوای ایرانی‌ها هم نزدیک است. مثلاً ۳۰سال قبل شاملو اشعار یک شاعر سیاه‌پوست را ترجمه کرده، یا فرهاد بسیاری از آهنگ‌های این سبک را با بازخوانی کرده چون مخاطب ایرانی رنج کشیده‌است و این را در موسیقی جاز و بلوز می‌تواند حس کند»

بعضی از این نوازنده‌ها حالا برای خودشان بندهایی هم درست کرده‌اند؛ بندهایی که هنوز مجوز نگرفته و شاید هم آدم‌هایش اصلا نتوانند که دنبال این چیزها باشند. مثلاً بابک که اهل سازدهنی است و در یکی از همین راسته‌ها، تکنوازی می‌کند، می‌گوید: «دو سال پیش قرار شد به نام «کوچه» گروهی راه بپندازیم اما به مشکل برخوردیم، مثلاً اینکه اسپانسر نداشتیم. موسسات می‌گفتند دللی ندارد البوم موسیقی خالی در بین مردم فروش داشته باشد. حتی یکی از استادان که در خیابان صدای ساز گروهمان را شنید، گفت این نوع موسیقی، محل اجرایش همین خیابان‌هاست.» اردوان اما خاطره خوبی از این خیابان‌ها ندارد، چندباری با شهرداری برای سد معبر سراخ شده و چندباری هم.. حالا او موسیقی خیابانی به سال‌های ضبط موسیقی، قته اما هنوز لگت نگ می‌شود. برای ساززدن در فضای منهای چنددرجه زمستان‌های تهران، دلش تنگ می‌شود برای عبارانی که در دادن یا ندادن پول به آنها تعال می‌کردند. از تولد موسیقی خیابانی در تهران می‌گذرد، حالا تهران هم لوکیشن‌هایی دارد شبه استانبول و پاریس، با نوازندگان جوانی که نه گدا هستند و نه بی‌دانش. موسیقی جدیدی در تک خیابان‌های این شهر با شکل تازه‌ای دوباره دارد متولد می‌شود.



اجرای دستکاری‌شده اما هماهنگ. روزبه می‌گوید: «مردم این آهنگ‌ها را نشنیده‌اند اما بعید نیست که با آن ارتباط برقرار کنند و ما بهانه‌ای باشیم برای اینکه بروند دنبال این نوع موسیقی که کمتر در ایران طرفدار دارد.» مردم با نگاه از هم می‌پرسند که باید به آنها پولی داد یا نه. همه‌شان حرفه‌ای ساز می‌زنند، هر چهار نفر، کارشناسی نوازندگی سازهای جهلی دارند و از قیافه‌شان برمی‌آید که چندان محتاج پول نباشند اما شب نشده، ساز کوارهایشان، صدهازار تومانی دشت کرد! تهران تا به حال ایسن موزیک را تجربه نکرد، مخاطب اگر لابد باید این آهنگ‌ها را روی تصاویری از فیلم‌های نیوبرکی جارموش شنیده و شاید هم پاریس آئن را اینتپور تصور کرده. با این همه پایتخت حالا در پرتوی این آهنگ‌های جاز و بلوز، این بداهه‌نوازی‌های شبانه، چهرای دیگر به خود گرفته. چهره‌ای که یاسمن آن را اینتپور توصیف می‌کند: «مردم تهران اهل ماهواره هستند و تقریباً موسیقی روز جهان را به‌اختیار می‌جاری می‌شنوند؛ موسیقی خیابانی درست آنها را با موسیقی مهم آمریکا و خصوصاً سیاه‌پوست‌ها آشنا می‌کند

الذتی که در بخشش هست، در انتقام نیست» از کودکی این جمله را شنیده‌ایم، ولی حتماً این هم به گوشمان خورده: «قبل از اینکه در مورد راه‌رفتن کسی قضاوت کنی کمی با کش‌های او راه برو» با این اوصاف، نمی‌توان به سلاطگی گفت آن کس که نمی‌بخشد، اشتباه می‌کند چراکه قضاوت ساده نیست و همین ماجرا، غیر از اینکه در دنیای واقعی قابل توجه است، دستمایه بسیاری از آثار ادبی و هنری بوده و هست و خواهد بود. چهره‌های مشهور و آنانی که در دنیای شهرت گام بر می‌دارند کم‌وبیش بارها با استفاده از این محبوبیت برای منصرف‌کردن اولیای‌دم مقتولان پیش‌قدم بوده‌اند. این روزها دوباره بحث «بخشش» مطرح است. اخیراً

سر ماجرای اعدام «ریحانه جباری» دختر «شعله پاکروان» مدرس و پژوهشگر تئاتر، چهره‌های مختلفی یادرمیانی کردند: از «اصغر فرهادی» و «ارخشان بنی‌اعتماد» تا دنیگرائی نظیر «محمد رحمانیان» و «مهتاب نصیرپور» که اواخر سال گذشته برای جمع‌آوری دیه «این دختر» ۲۶ساله که از ۱۹سالگی در زندان بهسر می‌برد، نمایشنامه‌خوانی «دعوت به مراسم اسیدپاشی» را در «ایاغ موزه قصر» برگزار کردند. او تنها محکومی نیست که این روزها چهره‌های مشهور برای بخشش او قدم پیش گذاشته‌اند. عدای دیگری از چهره‌ها اولین روز بعد از تعطیلات نوروز در سانس ویژه‌ای که برای نمایش فیلم سینمایی «خط‌ویژه» ساخته «مصطفی کیایی» در نظر گرفته شده بود، گرد هم آمدند و دیه جوان دیگری را که زندانی محکوم به قصاص بود، تأمین کردند. شاید حالا که «اصغر فرهادی» اینگونه از «الذت بخشش» گفته است راحت‌تر بتوان در مورد آن سخن گفت: «این گذشت تنها نجات یک فرد نیست. عملی است نمادین، ماندگار و آموزنده. دعوتی است از همگان به گذشت و بخشش. تشویق به گذشت‌کردن کسانی است که در موقعیتی چون شما، بر سر دو راهی بخشیدن و نبخشیدن ایستاده‌اند. شما با این گذشت انسان‌های زیادی را از مرگ نجات خواهید داد».

«عزت‌الله انتظامی» -آقای بازیگر- هم سر ماجرای اعدام «پنهود شجاعی» در کنار هنرمندان دیگری چون «پرویز

از آخرین دیدارمن پنج‌سال گذشته. اوایل سال ۸۸ بود که آنها را در حاشیه بلوار کشاورز ملاقات کردم. ملاقات سریی بود. در آن هوای بهاری و چهچه پرندگان پارک لاله. سرر به مصاحبه ندان آن دیدار. شمارهای رد و بدل شد و باقی ایستادن من بود به بداهه‌نوازی چهارنفری آنها از یک ملودی بلوز و شاید هم جاز. اواخر خرداد، پلیس گروهشان را بازداشت کرد: شب بعد از آزادی برای مصاحبه با من تماس گرفتند و همان موقع بود که می‌شد حس کرد، موزیک خیابانی جان به جانش کنند. برآمده از اعتراض است. حالا از آن روزها چهارسال

پر فرازونشپ گذشته، برخورد با گروه‌های موزیک خیابانی کمتر و کمتر شده و تهران ماوای نوازندگان حرفه‌ای که می‌خواهند سلیقه عمومی را در خیابان تلنگری بزنند. آنها هم دیگر بلوار کشاورز نیستند؛ پاتوقشان حالا گالری کنار «اکسیر» است بالاتر از ونک و گاهی روبروی روزه موزه سینما. دست‌های مرششان روی سیم‌های گیتار می‌خورد و سمرای کم‌جان بهاری رگ‌هایشان را برآماسیده می‌کند. هنوز می‌خوانند و هربار که با آوایی، دهانشان باز می‌شود، بخار وارمی می‌پاشد بیرون و تصویر عیاران را محو می‌کند. کنار خیابان ساز می‌زنند؛ دوگیتار و یکسازبادی عجیب و غریب که بعد با ترمیتی طلایرنگ جایگزین می‌شود. چه می‌نوازند؟ خبری از «گل گلدن من»، «یه دیواره» و آهنگ‌های درخواستی نیست، قطعه‌ای است از ریچاردز با نیمه‌شب پازدهم آوریل (بیست‌وششم فروردین)، ماه دچار خسوف کامل می‌شود و چشم‌اندازی متفاوت را برای ساکنان زمین ترسیم می‌کند. این خسوف آغاز تولی نادری از چهار خسوف کامل است که در دوسال آینده ماه را دربر می‌گیرد. خسوف‌ها از مدود پدیده‌های کیهانی هستند که با چشم غیرمسلح از زمین قابل رویت هستند در عین حال افرادی که به دوربین‌های دوچشمی دسترس‌ی داشته باشند می‌توانند این رخداد را با جزئیات بیشتری مشاهده کنند.

پس از اعلام اسامی تیم‌های فوتبال و واکنش‌هایی که نسبت به آن شده است، قرار است اردوی تیم ملی در نیمه‌شب پازدهم آوریل (بیست‌وششم فروردین)، ماه دچار خسوف کامل می‌شود و چشم‌اندازی متفاوت را برای ساکنان زمین ترسیم می‌کند. این خسوف آغاز تولی نادری از چهار خسوف کامل است که در دوسال آینده ماه را دربر می‌گیرد. خسوف‌ها از مدود پدیده‌های کیهانی هستند که با چشم غیرمسلح از زمین قابل رویت هستند در عین حال افرادی که به دوربین‌های دوچشمی دسترس‌ی داشته باشند می‌توانند این رخداد را با جزئیات بیشتری مشاهده کنند.

پس از اعلام اسامی تیم‌های فوتبال و واکنش‌هایی که نسبت به آن شده است، قرار است اردوی تیم ملی در

فردا گذرانی- خبر فردا

حسینیان سنفمایندته تهران به مجلس می‌رود.
• نخستین نمایشگاه گالری ساربان در سال جدید به نمایشگاهی از آثار خوشنویسی استادان معاصر نستعلیق اختصاص یافته که شاید فردا فرصتی باشد که به آن سر بزنید.
همین‌طور در گالری‌های متعدد نیز برنامه‌های مختلفی است مثلاً گالری شیرین که آثاری از پرستو فروهر را به نمایش گذاشته است یا کامران عدل که آثارش را در گالری اعتماد با عنوان آمال و آرزوهای نیامده و برپاد رفته به مناسبت شصتمین سال آغاز عکاسی‌اش به نمایش گذاشته است.

• سنخگو و معاون دبیر هشتمین جشنواره شعر فجر اعتقاد دارد که وجهه بین‌المللی آن در هفتمین دوره پرترنگ‌تر خواهد بود و شاعرانی از آمریکا و فرانسه در این دوره شرکت می‌کنند.
با توجه به اینکه مهلت ارسال آثار تا ۵۵ فروردین تعیین شده با اتمام این مهلت شاهد آغاز داوری‌ها از فردا خواهیم بود.

• پیش از این هم عنوان شده بود، وزیر نفت فردا برای پاسخ به سوال حمید رسایی، علی‌اصغر زارعی و روح‌الله